

محمد بابایی

روند انتقالی نظام بین‌الملل که از دهه ۱۹۹۰ شروع شد، همچنان ادامه دارد. به نظر می‌رسد تحولات خاورمیانه در مشخص کردن سمت و سوی این روند انتقالی نقش‌سی بی‌پدیل خواهد داشت.
غضنفر رکن آبادی سفیر سابق ایران در لبنان و کارشناس مسائل خاورمیانه معتقد است در میان تقسیم‌بندی‌هایی که در صحنه بین‌المللی برای جهت‌دهی به نظام آتی مطرح است، تقسیم‌بندی جبهه مقاومت و رقیب‌ای آن از دیگر تقسیم‌بندی‌ها بارز تر است و جبهه مقاومت در شکل‌دهی به نظم جدید جهانی نقشی محوری خواهد داشت. با و در این‌باره به گفت‌وگو نشستیم.
■ ■ ■

امروز جنگ‌ها و درگیری‌های متعددی سر تاسر خاورمیانه را فرا گرفته و منطقه دچار یک نوع بی‌ثباتی شده است به نظر شما دلایل این همه بحران چیست و از کجا ناشی می‌شود؟

اگر بخواهیم برای پاسخ دادن به این سؤال از صحنه بین‌المللی کنونی یک تقسیم‌بندی کنیم، از میان تقسیم‌بندی‌های مختلفی که وجود دارد یک تقسیم‌بندی بیشتر بارز است و خودنمایی می‌کند. بر اساس این تقسیم‌بندی یک گروه جبهه مقاومت است که متشکل از جمهوری اسلامی و همپیمانان آن است و گروه دیگر مخالفان و منتقدان این جبهه مقاومت است که شامل رژیم صهیونیستی، امریکا و همپیمانان آنها در منطقه می‌شود.

طبیعی است که در این بحث یک موضوع جدی وجود دارد و آن خاورمیانه است یا به قول مقام معظم رهبری انقلاب غرب آسیا که فرمودند بهتر است از اصطلاح غرب آسیا استفاده کنیم، در مقابل اصطلاحی که غربی‌ها تحت عنوان‌هایی مانند خاورمیانه، خاور دور یا خاور نزدیک برای منطقه ما استفاده می‌کنند. به هر حال، اگر بخواهیم در چار چوب تقسیم‌بندی که اشاره کردم، غرب آسیا را تحلیل کنیم قبل از اینکه بگویم در این منطقه چه تحولاتی در حال وقوع است و به کدام سمت و سو می‌رود اول باید مشخص کنیم نظامی جهانی و بین‌المللی الان در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ یا تک قطبی است، دو قطبی است یا چند قطبی است؟ یا به چه سمت و سوسویی در حال حرکت است طبیعی است که این مسائل بحث‌های زیاد و ریزی را می‌طلبد.

اما آنچه مسلم و آشکار است در یک مرحله گذار قرار داریم. یعنی به سمت یک نظام جدید جهانی در حال حرکت هستیم و آن تعریفی که قدرت‌های بزرگ پس از جنگ جهانی دوم و همچنین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق از نظام جهانی ارائه و بحث مدیریت جهان را برای خود تعریف کردند تمام شده است. به عبارتی، تحولات و جبهه مقاومت خصوصا در غرب آسیا یا خاورمیانه نشان‌دهنده آن است که نظام تک قطبی، دو قطبی یا تعاریفی مثل اینها اعتبار خود را از دست داده‌اند. می‌توانیم بگوییم از روز ۹ شهریور ۱۳۹۲ وقتی امریکا و همپیمانان آن که تصمیم قطعی برای حمله به سوریه به عنوان یکی از ارکان‌های مهم جبهه مقاومت گرفته بودند اما بنا به عواملی مجبور شدند صرف نظر کنند، شاهد تحول بزرگی در نظام جهانی بودیم. یعنی از آن روز می‌توان گفت، یک نظام تک‌قطبی یا مدیریت جهانی که امریکایی‌ها به دنبال آن بودند نه تنها خدش‌های بزرگ برداشت بلکه فرو ریخت.

در واقع آنها به این نتیجه رسیدند که در دنیا فقط آنها نیستند که حرف می‌زنند بلکه هستند طرف‌های

دیگری که باید به حرف‌های آنها گوش کرد و بر همین اساس خیلی تصمیم‌تر و جدی‌تر نسبت به مراحل گذشته پای میز مذاکرات ۵+۱ حاضر شدند و به حرف طرف مقابل یعنی جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی و هادی جبهه محور مقاومت گوش دادند. این درحالی‌است که اینها به حرف کسی گوش نمی‌دهند و در جاهایی مثل عراق و سودان بدون اطلاع قبیلی بمباران کردند و بدون اینکه اتفاقی بیفتد برگشتند و کاری به شورای امنیت و سازمان ملل نداشتند. در واقع امریکایی‌ها می‌گفتند این نهادها برای کسانی است که قدرت نداشته باشند و گرنه برای ما مفهومی ندارد؛ مگر الان جمله به یمن با تصویب شورای امنیت صورت گرفت یا قبلاً حمله به عراق مگر اینها با اخذ مجوز شورای امنیت بود.

اما جمهوری اسلامی ایران و همپیمانان آن به مرحله‌ای از قدرت رسیده‌اند که طرف مقابل را مجبور کردند وارد گفت‌وگو شود. این حرف من نیست بلکه خود آقای اوباما رئیس‌جمهور امریکا به این مسئله اذعان کرد. او بعداز صدور بیانیه لسوزان اعلام کرد که ما باید راهکار نظامی یا تحریم یا گفت‌وگو را با ایران به کار می‌گیریم که نه راهکار نظامی می‌تواند به اهداف دست یابد و نه تحریم‌ها مؤثر بودند پس باید گفت‌وگو می‌کردیم. وقتی خود امریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند به این معنی است که دیگر نظام تک‌قطبی نیست بنابراین در مرحله گذار هستیم و نظام نوین جهانی که در آن جبهه مقاومت با هدایت و حمایت جمهوری اسلامی ایران نقش بر تر دارد.

در حال حاضر خاورمیانه با غرب آسیا به این سمت حرکت می‌کند، یعنی در جهت تثبیت این اصل که جبهه مقاومت با حمایت و هدایت جمهوری اسلامی ایران حرف اول را می‌زند و نقش بر تر را دارد. این نقش برتر را می‌توان در تلاش امریکایی‌ها و کشورهای عضو گروه ۵+۱ یعنی شش کشور قدرت بزرگ جهانی برای گفت‌وگو با ایران مشاهده کرد. وقتی طرف مقابل اصرار دارد بر ادامه مذاکرات، به این معنی است که سایر راها برای آنها بسته شده و چاره‌ای جز گفت‌وگو ندارند. در واقع نحوه رفتار کشورهای بزرگ جهانی اثبات‌کننده این ادعا است.

شما معتقد هستید که نظام بین‌المللی در یک مرحله گذار قرار دارد و خاورمیانه



گفت‌وگوی «جوان» با سفیر سابق ایران در لبنان

جبهه مقاومت در شکل‌دهی به نظم جدید جهانی نقش محوری دارد

کانون این تحول است اما به نظر می‌رسد هزینه‌های زیادی به این منطقه منحل می‌شود این هزینه‌ها می‌خواهد تا کجا ادامه پیدا کنند؟ بعضی‌ها معتقدند جنگ سوریه به حالت فرسایشی به خود گرفته است؟

در ارتباط با آنچه ما در خاورمیانه شاهد هستیم به ویژه در خصوص تحولات گسترده پس از سال ۲۰۱۱ با شروع بیداری اسلامی ما شاهد آغاز حرکت جریان تکفیری تروریستی هستیم که بدون کوچک‌ترین تردیدی با حمایت مساعد و پشتیبانی جبهه ضد مقاومت شکل گرفته تا مانع شوند در این مرحله آن واقعبینی یعنی برتری جبهه مقاومت تثبیت شود.

حداقل طی هفت مرحله از سال ۱۹۹۲ در جنگ‌هایی که اسرائیل علیه لبنان و غزه داشته تحت تأثیر انقلاب اسلامی شکست خورده است بنابراین موازنه قدرت بنابر اعتراف خود اسرائیلی‌ها به نفع محور مقاومت به هم خورده است به همین دلیل تمام تلاش خود را می‌کنند تا این معادله به هم خورده و به حالت اول خود بازگرد و توازن رعب و وحشت به نفع اسرائیلی‌ها برقرار شود. شاهد هستیم پس از هر شکستی که متحمل می‌شدند بلافاصله یک حرکت جدید برای جبران شکست خود آغاز کرده‌اند که آخرین مورد آن شکست در همین جنگ ۵۱روزه غزه بود.

در حال حاضر نیز همه تلاش خود را به کار گرفته‌اند، گروه‌های تکفیری که در لیست گروه‌های تروریستی امریکایی‌ها قرار دارند و باید بازداشت و محاکمه می‌شدند تبدیل به عاملی برای کمک به آنها شدند. استفاده از این عامل همانطور که گفتید حالت فرسایشی به خود گرفته است. واقعبیت این است که اگر از همین امروز امریکایی‌ها اعلام کنند که دادن سلاح و پول به گروه‌های تروریستی تکفیری از نماد آن امروز داعش است را متوقف می‌کنند ظرف فقط دو هفته این غائله خاتمه خواهد یافت. البته به شرطی که به صورت عملی این وعده امریکایی‌ها اجرا شود و گرنه قطعنامه شورای امنیت ۲۱۹۹ را داریم مبنی بر اینکه دادن سلاح به گروه تروریستی مخصوصا داعش ممنوع است که صادر شد و الزام‌آور است اما اجرا نمی‌شود.

پس این مسئله مربوط به جریان مخالف مقاومت است که آنها چه اراده و تصمیمی داشته باشند. آنها مدعی هستند که باید گروه‌های معارض معتدل در منطقه مخصوصاً سوریه حاکم شود اما خوشبختانه اتفاقات جدیدی رخ داده است و اینگونه نیست که یک‌سویه بگویم فقط یک حالت فرسایشی وجود دارد. شما مشاهده می‌کنید که تا همین سه ماه پیش

همه کشورهای مخالف مقاومت به ویژه امریکایی‌ها و اروپایی‌ها اصرار داشتند که ائتلاف معارضه سوری که شکل گرفته‌باشد جایگزین دولت کنونی در دمشق شود و بشار اسد باید کنار برود.

اما سه ماه پیش هنگامی که دی میستورا نماینده سازمان ملل در امور سوریه طرح خود را برای برقراری آرامش در سوریه مطرح کرد و پیشنهاد داد که این طرح از حلب آغاز شود وزاری خارجه کشورهای اروپایی از این فرصت استفاده کردند و به بهانه این طرح بیانیته‌ای در پروگسل صادر کردند که در آن برای اولین بار اعلام کردند که معارضه سوری می‌تواند یا بایستی جزئی از حاکمیت در سوریه باشد و این یعنی اعتراف به حاکمیت موجود در سوریه. جالب است که امریکایی‌ها هم نقش اساسی در این قضیه داشتند و حتی جان کری وزیر خارجه امریکا اعلام کرد که اگر لازم باشد با بشار اسد نیز وارد گفت‌وگو می‌شویم. این در حالی است که همین کشورها تا چند وقت پیش می‌گفتند بشار اسد مشروعیت ندارد و باید از قدرت کنار برود.

در واقع اظهارنظرها و مواضع غربی‌ها اساساً به این سمت در حال حرکت است که اصلا سوریه راه‌حلی بدون بشار اسد ندارد. این مسائل نشان‌دهنده پیشرفت برای جبهه مقاومت است بنابراین اگر کشورهای غربی به این مواضع پایبند باشند خیلی زود می‌توان به بحران سوریه پایان داد و اگر نخواهند طبیعی است که این روند ادامه خواهد یافت.

نقش جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه چگونه است خیلی‌ها در غرب معتقدند اگر دخالت‌های ایران نبود بحران سوریه هم اکنون پایان یافته بود؟

جمهوری اسلامی ایران همیشه بر راحل سیاسی و گفت‌وگوهای سوری تأکید کرده و اینکه هیچ کس حق ندارد خود را قیمم مردم سوریه بداند. اساساً به هیچ کشوری ربطی ندارد که مردم سوریه چه تصمیمی می‌خواهند بگیرند و فقط خود این مردم هستند که باید درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند.

جمهوری اسلامی ایران یک اصل را در دستور کار خود قرار داده و آن حمایت‌از خواسته‌های حق‌طلبانه ملت‌های جهان است. ما تعارضی در مواضع خود در تعامل با کشورهای جهان نداریم. همین طرح چهار ماده‌ای را که اخیرا جمهوری اسلامی ایران درباره یمن پیشنهاد داده باز در همین راستا است. ما در مذاکراتمان با اروپایی‌ها نیز گفته‌ایم که این فقط مردم سوریه هستند که تصمیم می‌گیرند. آنها بودند که در یک انتخابات با مشارکت ۷۷ درصدی و رأی ۸۸ در صدی به بشار اسد درباره نظام سیاسی



جبهه‌النصره هستند بنابراین باقی ماندن نظام موجود در سوریه در شرایط کنونی بهترین گزینه برای آنها است. در واقع غربی‌ها واقعبیت‌ها را بهتر می‌پذیرند اما بعضی کشورهای منطقه نمی‌خواهند با این واقعبیت روبرو شوند و نمی‌خواهند واقعبیت تلخ را بپذیرند. اساساً بازگشت از مواضع اعلام شده قبلی برای این کشورها دشوار است که خود همین مسئله باعث می‌شود بیشتر دچار زیان و ضرر بشوند چراکه نمی‌خواهند واقعبیت را قبول کنند.

گفتید که محور مقاومت با هدایت و حمایت ایران نقش بر تر را در منطقه به دست آورده است آیا این جبهه در سایر حوزه‌ها از جمله در مسائل اقتصادی دارای این جایگاه است؟ اساساً تحلیلگران معتقدند که اگر برتری نظامی، شکوفایی اقتصادی و رفاه را با خود به همراه نیارود نمی‌تواند در بلندمدت دوام پیدا کند؟

با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی و هادی محور مقاومت و با فشارهای زیاد مواجه شده و تحت محاصره اقتصادی و تحریم‌های غربی‌ها قرار دارد اما وقتی شما موفقیت‌های ایران در سایر حوزه‌های غیر امنیتی را با کشورهای که هیچ‌کدام از این مشکلات را نداشتند و تحت فشارها و تحریم‌ها نیستند مقایسه کنید می‌توانید برتری در این حوزه را نیز مشاهده کنید.

به‌رغم این سطح از فشارها و تحریم، آمارها و گزارش‌هایی که منتشر می‌شود نشان می‌دهد موفقیت‌های زیادی در اختراعات و ابداعات، تولید علم و فناوری، ماهواره‌ها، صنایع نظامی

خود اعلام موضع کردند. اگر به یاد داشته باشید مرکز تحقیقات دانشگاه مرلند امریکا اعلام کرد که ۷۰درصد مردم سوریه طرفدار بشار اسد هستند. در بحث تحولات منطقه ایران تأکید دارد که ملت‌ها باید سرنوشت خود را مشخص کنند اما مجموعه مخالف و ضد محور مقاومت تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا در نظام نوین جهانی که در آن جبهه مقاومت نقش برتر و اساسی دارد شکل نگیرد و از این مسئله جلوگیری شود اما این تلاش‌ها فایده‌ای ندارد و آنها باید این واقعبیت را بپذیرند چرا که دنیا دارد به این سمت حرکت می‌کند.

آنچه امروز در عراق، سوریه، لبنان و یمن شاهد هستیم به خوبی اثبات می‌کند که این خواسته ملت‌هاست که در حال تثبیت شدن است نه گره‌ها و کشورهای که به دنبال سوءاستفاده از ملت‌ها برای تأمین منافع خودشان هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس ماهیت اسلامی و بنا بر قانون اساسی خود از این روند حمایت می‌کند و اساساً منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در تحقق خواسته‌های ملت‌هاست چراکه وقتی منافع مطلوبان محقق می‌شود به صورت طبیعی منافع جمهوری اسلامی ایران نیز محقق می‌شود.

اشاره کردید که در مواضع کشورهای اروپایی و امریکا چرخشی نسبت به سوریه شروع شده و این کشورها از مواضع اولیه خود عقب‌نشینی کرده‌اند و دیگر به دنبال سرنگونی نظام سوریه نیستند اما از جمله ترکیه و عربستان همچنان به دنبال سرنگونی بشار اسد هستند و در همین راستا روزنامه هافینگتون پست گزارشی نوشت مبنی بر تلاش‌های جدید این کشور برای اقدام نظامی در سوریه؛ چرا ترکیه و عربستان پس از گذشت چهار سال همچنان بر راه‌حل نظامی و سرنگونی بشار اسد تأکید دارند؟

همه طرف‌ها باید معقولانه بر خود کنند و عادلانه، عاقلانه و مستدل به مسائل نگاه کنند. معمولاً غربی‌ها پراگماتیک‌تر هستند و خیلی تعصب ندارند روی موضعی که دیروز گرفتند با موضعی که امروز می‌گیرند و ششاید حتی ۱۸۰ درجه متفاوت باشد. می‌گویند تصمیم دیروز بنا بر شرایط دیروز گرفته شده اما امروز واقعبیت‌ها عوض شده و نیازمند اتخاذ تصمیمات جدید و متناسبی هستیم. در رابطه با سوریه غربی‌ها به این واقعبیت رسیده‌اند که نظام جایگزین بشار اسد معارضه معتدل نیست بلکه گروه‌های تروریستی تکفیری همچون داعش و

از جمله ساخت هواپیماهای بدون سرنشین و صنایع موسکی، نانو تکنولوژی و غیره داریم. وقتی این پیشرفت‌ها را در عرصه‌های مختلف با کشورهای که هیچ‌کدام از این مشکلات را نداشتند مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که حتی به اندازه یک سروسز پیشرفتی نداشتند. بنابراین این موضوع و این برتری امنیتی به دنبال خود پیشرفت را نیز می‌آورد. علاوه بر این ما به کشورهای دیگر جبهه مقاومت اعلام کرده‌ایم که آماده‌یم تکنولوژی و پیشرفت‌های خود را در اختیار آنان قرار دهیم و همکاری‌ها را نیز با این کشورها شروع کرده‌ایم تا آنها نیز بهره‌مند شوند. بدون تردید ما در بین کشورهای منطقه بهترین وضعیت را داریم و حتی در بعضی جاها رقیب اصلی ایالات متحده هستیم؛ به عنوان مثال در بحث تولید داروهای خاص باید بگویم که دارویی بوده که در سطح دنیا فقط پنج کشور آن را تولید می‌کردند و ما به عنوان ششمین کشور موفق شدیم این دارو را تولید کنیم. وقتی می‌خواستیم با کشورهای منطقه برای صادرات این دارو قرارداد ببندیم باید با امریکا رقابت می‌کردیم اما وقتی کشورهای خریدار بررسی کردند دیدند که هیچ تفاوتی بین تولید ایرانی و امریکایی وجود ندارد و ما با قیمت بسیار پایینی آن را به بعضی کشورها دادیم. بنابراین ما نه تنها در بحث رقابت گوی سبقت را از کشورهای منطقه ربودیم بلکه الان در پارهای از موارد حتی از امریکای نیز گوی سبقت را ربوده‌ایم پس برتری امنیتی می‌تواند برتری اقتصادی نیز بساورد و می‌تواند شکوفایی اقتصادی را به همراه داشته باشد و در این باره می‌توان صدها مثال در همین جمهوری اسلامی ایران زد.

خود من معتقدم اگر این فشارها نبود از آنجایی که می‌گویند نیاز مادر اختراع است ما به این مقدار از رشد و پیشرفت نمی‌رسیدیم. در این

باره می‌توان به ایران زمان شاه نگاه کنید که

واردکننده و مصرف‌کننده خیلی خوبی بودیم یا وضعیتي که خیلی از کشورهای منطقه در حال حاضر دارند. منظور از رفاه دادن پول نفت و خرید کالاها و محصولات خارجی نیست بلکه این یک وابستگی کامل است که در نتیجه آن تبدیل به غلام حلقه به گوش غرب می‌شوند. شما شاهد هستید که با یک تماس تلفنی همین ترم مواضع این کشورها تغییر پیدا می‌کند. نتیجه این فرایند در زمان شاه این بود که ۸۰هزار امریکایی بسر ایران حکومت می‌کردند سفیر امریکایود که به شاه خط می‌داد سفیر امریکا بود که سفیر ووزرای ما را تعیین و در تمامی مسائل ریز و درشت کشور دخالت می‌کرد. طبیعی است که اگر بخواهیم مستقل باشیم با مشکلات و سختی‌هایی مواجه می‌شویم اما نتیجه بسیار لذت‌بخشی در پی خواهد داشت.

استقلال سیاسی استقلال اقتصادی در پی خواهد داشت و نتیجه این می‌شود که الان شش کشور بزرگ جهانی صرف نظر اینکه نتیجه چه خواهد بود می‌نشینند و به حرف ما گوش می‌دهند.

من خودم با خیلی از شخصیت‌های بین‌المللی و دیپلمات‌ها صحبت داشتم که می‌گفتند کاش الان ما در جایگاهی که جمهوری اسلامی است قرار داشتیم، وقتی می‌پرسیمد چرا؟ می‌گفتند که هیچ کس به ما توجه نمی‌کند همه به ایران نگاه می‌کنند و همه جا حرف از ایران-امریکا، ایران و ۵+۱است. می‌گویند ایران به برند تبدیل شده؛ خوب معلوم است که ایران از قدرتی بر خوردار است که مورد توجه است و کسی هم جرئت نمی‌کند عملیات نظامی انجام دهد. خیلی مهم است که رئیس‌جمهور امریکا می‌گوید که سه راهکار بیشتر در مقابل ایران نداشتیم و اعتراف می‌کند که راهکار نظامی و تحریم کارایی ندارد. این موفقیت‌ها نتیجه ایستادگی مردم، خون شهدا، همبستگی مردم و مسئولان و عمق استراتژیک ما در منطقه است.

به بحث یمن اشاره کردید؛ به نظر شما با این عملیات عربستان می‌تواند به اهداف خود دست یابد؟

اقدام عربستان در حمله به یمن خیلی‌ها را شگفت‌زده کرد. اهدافی که آنها اعلام کرده‌اند هیچ کدام تاکنون محقق نشده است. اصل عملیات که کاملاً برخلاف اصول شناخته شده بین‌المللی بود. شما وقتی می‌خواهید به کشوری حمله کنید یا باید مجوز شورای امنیت را داشته باشید یا باید بخشی از خاک اشغال باشد



بعضی‌ها نیز به اقدامات پیشگیرانه استناد می‌کنند که قابل تفسیر است. حتی پیشگیرانه نیز باید با هماهنگی شورای امنیت صورت بگیرد در حالی که هیچ‌کدام از اینها درباره یمن صادق نیست و هیچ خطری از سمت یمن عربستان را تهدید نمی‌کند.

این عملیات هم در سطح افکار عمومی جهان با انتقاد مواجه شده و هم آن ائتلاف اولیه‌ای که شکل گرفته بود به مرور زمان با مشکل مواجه می‌شود روز به روز ما شاهد ریزش این ائتلاف و تغییر مواضع کشورها بودیم به عنوان مثال شما موضع ترکیه و پاکستان را مشاهده می‌کنید که بسر راحل سیاسی تأکید دارند. این در حالی است که سعودی‌ها خیلی روی پاکستان مانور می‌دادند. حتی می‌بینیم که مواضع اکثر کشورهای اروپایی خاستری است و فقط یکی که کشور است که از این عملیات حمایت کرده‌اند.

اما طبیعی است که ایالات متحده امریکا از این عملیات حمایت کند به دلیل روابط ریشه‌ای و استراتژیکی که امریکایی‌ها با سعودی‌ها دارند و همچنین با مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ هم‌زمان شده بود. با این وجود برای بعضی مقامات امریکایی راحل سیاسی برای پایان دادن به بحران یمن در اولویت قرار دارد. ایران نیز بر راحل سیاسی تأکید کرده و اعلام کرده است. بنابراین همه باید تلاش کنند که بر دشمن مشترک یعنی رژیم صهیونیستی متمرکز شویم. بر همین اساس این طرح چهار ماده‌ای خود را برای پایان دادن به بحران یمن ارائه کرد که شامل توقف آتش‌بس، ارسال کمک‌های انسان دوستانه به مردم یمن در همه مناطق، آغاز گفت‌وگوهای فراگیر یعنی و تشکیل یک دولت فراگیر با مشارکت همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در داخل یمن بود.